هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
پیمان بن پس از هفت سال
ص۲

دعا در آینه شعر مقاومت
این شام سیاه ما سحرکن
ص۴

ماندگاری ملت های دچار بحران از چه طریقی میسراست؟!
ص۵

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست وششم شنبه ۹ قوس ۱۳۸۷- ۳۰ ذوالقعده ۱٤۲۹ - ۲۹November ۲۰۰۸



استاد برهان الدین ربانی رهبر جبههٔ ملی افغانستان:

انتخابات باید در وقت معین آن برگزارشود

جنگ تنها راه حل بحران افغانستان نیست

مذاکره با مخالفان باید شفاف باشد وهمهٔ گروه ها در آن شرکت داشته باشند

تا هنوز جبههٔ ملی تصمیم به حمایت از هیچ کاندیدی نگرفته است

ادامه در ص۳

پیام تسلیت استاد برهان الدین ربانی به مناسبت وفات ظاهرجان یکی از فرماندهان سابق جمعیت اسلامی افغانستان

ارجمندان عزیز خانواده مرحوم قوماندان ظاهرجان!

خبروفات المناک فرمانده قهرمان ولایت کنر قوماندان ظاهرجان که یکتن از شخصیت های نامور جهادی و انسان با تقوی، شجاع و دلسوز به اسلام و مسلمانان بود، مایهٔ تأثر عمیق من گردید. وفات او نه تنها ضایعه جبران ناپذیر برای جمعیت اسلامی است، بلکه این ضایعهٔ بزرگ برای همه خانواده جهاد و مجاهدین افغانستان است. عروج ملکوتی روح این راد مرد مجاهد را به خود و خانواده ارجمند و همسنگران دلیر مجاهد مردان ولایت قهرمان پرور کنرها تسلیت می گویم، انالله و انا إلیه راجعون

برهان الدین ربانی
۵ قوس ۱۳۸۷ هـ ش

آزاد بازار، که د دولتي شتمنو او خانیوویش

شفیق

مخ ۶

تعیین موعدی برای پایان جنگ



اگر تا کنون حضور نیروهای خارجی در افغانستان با اعتراض مخالفین مسلح دولت افغانستان مواجه بود به نظر می رسد که اکنون رئیس جمهور کشور هم به صف مخالفین پیوسته است. حامد کرزی در دیدار با هیئات شورای امنیت سازمان ملل متحد، از نیروهای خارجی خواست تا برای پایان دادن به جنگ علیه تروریسم تاریخی را معین سازند.

کرزی قبل از این نیز با عملکرد های نیروهای خارجی از جمله کشتار غیرنظامیان، دستگیری های بدون موجب و بازرسی های خودسرانهء منازل ابراز مخالفت کرده بود اما نیروهای خارجی به این خواست وی وقعی ننهادند. حتی خارجیان به خواست های ساده تر از این مثلا برداشتن موانع از جاده های شهر کابل هم مخالفت کردند

ادامه درص۲

انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و قانون اساسی

➤ واقف حکیمی

انتخابات ریاست جمهوری براساس قانون اساسی افغانستان باید در بهار سال آینده برگزار شود. با آن که آمادگی هایی تا کنون برای برگزاری آن گرفته شده است ولی تلاش هایی نیز از سوی حکومت پیوسته به صورت پنهان و آشکار انجام شده است تا این انتخابات را از موعد مشخص آن به عقب بیندازند.

مسألهٔ برگزاری انتخابات در وقت معین آن یکی از مباحث جدی مجلس نمایندگان بوده است، مجلس همواره بر برگزاری آن در وقت تعیین در قانون اساسی شده اصرار کرده است. آقای قانونی رئیس مجلس نمایندگان هفتهٔ گذشته پس از دیداری با رئیس جمهوری آقای کرزی گفت که با رئیس جمهوری توافق

ادامه در ص ۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیات تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

قرار داد بن پس از هفت سال

در اواخر سال ۲۰۰۱ بـه دنبال سقوط طالبان و امدن نیروهای خارجی بـه افغانستان، نشست بن با اشتراک نمایندگان دولت اسلامی و جبههٔ متحد ملی اسلامی افغانستان، نمایندگان شاه سابق، نمایندگان پروسه قبرس و برخی دیگر از گروه های افغانستان در المان برگزار گردید. پس از چند روز رایزنی این نمایندگان قرار داد موسوم به بن را امضا نمودند.

در نتیجه این قرار داد حامدکرزی رئیس جمهور کنونی به قدرت رسید، قانون اساسی تصویب و پارلمان تشکیل گردید. اما انچه باید می شد یعنی حل بحران و پایان جنگ و رسیدن به صلح و رفاه تا هنوز بدست نیامده است.

پس از گذشت هفت سال اکنون بیشتر مردم می پذیرند که نشست بن و امضای قرار داد بن یک تجربه ناکام بود. عوامل و اسباب این ناکامی و شکست را می توان به دست های چند تقسیم کرد. نارسایی و نقایص در متن قرار داد، تطبیق نادرست وسوء استفاده از ان و عوامل داخلی، منطقه یی و جهانی مهمترین عوامل ناکامی ان قرار داد بود.

مفاد قرار داد بن حاوی یک سلسله هدف ها و شعارهای خوبی است، اما ساختارهای روشن و قاطع و قابل اعتماد برای تحقق ان هدف ها در ان دیده نمی شود.

در این قرار داد توزیع عادلان قدرت میان اقوام و گروه های جامعه افغانستان ذکر گردیده. اما راهکار تحقق توزیع قدرت در ان مشخص نشده است، به همین علت گروه های که به حاشیه رانده شدند، نتوانستند برای دفاع از خود به این قرار داد متوسل گردند.

قرار داد بن دموکراسی را برای نظام سیاسی افغانستان پیشنهاد می کند، امابرای دکتاتوری که همه قدرت را در چنگال خویش می گیرد و برای همیشه رئیس جمهور می ماند، ممانعتی ایجاد نمی کند. قرار داد بن، ریاست دولت و حکومت را در اختیار یک شخص می گذارد و تعیین رئیس و اعضای قوه قضائیه را برای وی واگذار می کند، همچنان تعیین رئیس و اعضای کمیسیون حقوق بشر را که برای رقیبان دسیسه میسازد، رئیس و اعضای کمیسیون انتخابات راکه پیروزی رئیس جمهور را در انتخابات تضمین می کند و اعضای کمیسیون خدمات اداری که به اشاره رئیس جمهور هوا داران او را در پست های کلیدی جا بجا می سازد و تعیین مسوولان دیگر ارگان های ملی را به وی واگذار می نماید.

رویکرد اصلی اجلاس بن، تقسیم چوکی ها میان شرکت کنندگان بود و توجهی در جهت تهیه ساختار روشن برای حل بحران و فراهم سازی زمینهٔ ثبات و امنیت پایدار صورت نگرفت.

درکشورهای دارای تنوع سیاسی، قومی و مذهبی مانند لبنان وعراق، میکانیزم توزیع قدرت و مشارکت ملی به میان امده است، اما در اجلاس بن چنین بحث مطرح نشد.

شرکت کنندگان اجلاس بن گمان می کردند که با توزیع چوکی ها می توان مشکل کشور را حل کرد، این که بازیگران بین المللی عمدا برای زمینه سازی به یک بحران دیگر چنین گرایشی را برانان تحمیل کردند. و با ایجاد فضای قیمومیت صلاحیت تصمیم گیری از انان را سلب کردند.

نارسایی دیگر اجلاس بن سراسیمه گی در تصویب و امضای قرار داد از پیش طرح شده بود. بازیگران بین المللی در بن، فضای خاصی تهدید و تطمیع را ایجادکردند. گاهی قدرت عظیم اردوی امریکا و هوا پیماهای تهاجمی B۵۲ را برخ شرکت کنندگان می کشاندند وگاهی با وعده کمک های میلیارد دالری برای بازسازی یک شبه افغانستان، ان ها را تطمیع می کردند.

برگزاری اجلاس در خارج و تحت تهدید و تطمیع خارجیان، فرصت تفکر و پرداختن به مسایل اصلی ملی را از میان برد و پیشنهادات دیگران از جمله استاد ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان مبنی بر برگزاری مراحل پایانی اجلاس در کابل، دادن فرصت بیشتر برای تفکر و فراگیرساختن بیشتر ان ناشنیده ماند.

نظام برامده از قرار داد بن ارام ارام از بستر ارزش های فرهنگی و اعتقادی مردم فاصله گرفت و دستاویزهای عامه پسندی در اختیار مخالفان مسلح دولت قرارداد. بار دیگر تاریخ تکرار می شد و زمامداران پا در جای پای گذشتگان می گذاشتند.

حاکمیت که مجری تطبیق مفاد قرار داد بود، ان را به صورت نادرست به مرحله اجرا گذاشت. از ابهامات ان استفاده سوءکرد و برخی از مفاد ان مانند سرشماری را اجرا نکرد.

شراکت ملی در قدرت کنارگذاشته شد، نظام سیاسی به سوی دکتاتوری و تبارگرایی انحراف کرد، تفکیک قوا که بنیاد دموکراسی را تشکیل می دهد، در نظام افغانستان کم رنگ شد. نهادهای به ظاهر مستقل برای کنار زدن دیگران و تحکیم پایه های قدرت رئیس جمهور به کار گرفته شد. غیر خودی ها یکی پی دیگر، از چوکی هایی که در اجلاس بن

ادامه در ص۸

تعیین موعدی برای پایان جنگ



وحید مژده

ادامه از صفحهٔ اول

و به این ترتیب عملا دولت افغانستان را در نزد مردم کشور فاقد توان و اراده وانمود ساختند. حتی موسسات غیرنظامی مانند بانک آسیائی هم تهدید کردند که اگر موانع از مقابل دفتر شان برداشته شود آنها افغانستان را ترک خواهند کرد.

آقای کرزی در مورد نیروهای خارجی بصراحت گفت که خارجیان که باید حیثیت مهمان را داشته باشند خودرا صاحب خانه و مارا مهمان می شمارند. دولت افغانستان اعلام نمود که اگر نیروهای خارجی بصورت موثر علیه تروریسم مبارزه نکنند، دولت افغانستان با روش های خودش به رفع این مشکل خواهد پرداخت. منظور دولت افغانستان از روش های خودش باز کردن باب مذاکره به منظور تفاهم با مخالفین دولت بود. در مناسبت دیگری کرزی گفت که من حاضرم تا امنیت ملا محمد عمر تامین نموده و به او پناه بدهم و جامعهء جهانی باید با من موافق باشد. اگر خارجین با این کار مخالف باشند می توانند یا مرا از قدرت برکنار کنند ویا خود از افغانستان خارج شوند.

از جانب دیگر از مدتی به اینطرف شایعاتی مبنی بر مذاکرت نمایندگان دولت افغانستان با نمایندگان طالبان با وساطت عربستان سعودی بر سرزبانها بود و سرانجام اعلام شد که دولت عربستان سعودی حاضر است تا به ملا محمد عمر پناه سیاسی بدهد. گفته شد که این دعوت به مشورهء امریکا، افغانستان وپاکستان صورت گرفته است. طالبان تمام این پیشنهادات را رد کردند و گفتند که آنها نیازی به تامین امنیت شان بوسیلهء کرزی ندارند.

اما خواست آقای کرزی از خارجیان برای تعیین موعدی برای پایان بخشیدن به مبارزه علیه تروریسم موجب سفر یاپ دهوپ شیفر سکرترجنرال ناتو به افغانستان شد. شیفر در ملاقات با کرزی خاطر نشان ساخت که قوت یافتن مجدد طالبان موجب خواهد شد تا افغانستان بار دیگر به پایگاهی برای تروریست ها مبدل گردد. این حالت چالشی جدی برای صلح وامنیت در امریکا و اروپاست. وی گفت که حضور نیروهای خارجی در افغانستان به اجازهء شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفته است. این سخن تلویحا تاکید به این موضوع است که افغانها حق ندارند تا خواستار تقسیم اوقات برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان گردند: اگر عراقی ها خواستار چنین امری بودند بخاطر این بود که در حملهء امریکا به عراق، مجوزی از جانب سازمان ملل متحد صادر نشده بود.

سکرتر جنرال پیمان ناتو هم خاطرنشان ساخت که حضور نیروهای خارجی در افغانستان تا زمانی که به آنها نیاز باشد ادامه خواهد یافت اما این سخن وی به وضوح نشان می داد که مسئلهء ضرورت و نیاز به وجود این نیروها را مردم افغانستان تعیین نمی کنند.

از جانب دیگر سفیر ایتالیا در سازمان ملل متحد و رئیس هیئات اعزامی حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل متحد به افغانستان گفت که مذاکره با مخالفین، کار دولت افغانستان است اما این مذاکرات باید در چهارچوب قانون اساسی افغانستان باشد.

اما اکنون سوال اینست که اینهمه سروصدا ها تا چه حد می تواند در مسیر رسیدن به صلح و تفاهم راهگشا باشد. نخستین خواست نیروهای مخالف دولت افغانستان همان شرطی است که در دههء هشتاد قرن گذشته توسط مجاهدین در برابر اتحادشوروی مطرح بود: خروج بدون قید وشرط نیروهای شوروی از افغانستان.

مجاهدین در آن زمان با دولت کابل مذاکره نکردند بلکه با روسها برای نخستین بار در طایف در عربستان سعودی به مذاکره نشستند. اکنون هم به نظر نمی رسد که طالبان که در سرسختی مشهور اند در شرایطی که خود را در موقعیت برتر نسبت به دولت کابل وحتی نیروهای خارجی احساس می کنند حاضر به تفاهم و مذاکره شوند.

آقای کرزی اعلام داشت که در صورتیکه ملا محمد عمر قانون اساسی افغانستان را بپذیرد، حاضر است که به او پناه بدهد. این نوع پناه دادن حتی در اخیر سال ۲۰۰۱ هم نمی توانست برای ملامحمد عمر قابل قبول باشد که وی شکست خورده و همه چیز خود را از دست داده بود.

آقای کرزی این پناه دادن را در چهارچوب عنعنات افغانی مطرح کرد. سوال اینست که اگر این عنعنه قابل احترام است پس نباید ملامحمد عمر را بخاطر پناه دادن به اسامه بن لادن ملامت کرد. آقای کرزی می گوید که طالبان با پناه دادن به تروریست ها در حقیقت عامل اصلی آمدن خارجی ها به افغانستان شدند. مگر ملامحمد عمر نمی گفت که این کار را بخاطر عنعنات اسلامی و افغانی انجام داده است؟

طالبان مذاکره با دولت افغانستان را رد نکرده اند اما پیش شرط آنان در قدم اول خروج کامل وبی قید وشرط نیروهای خارجی از افغانستان است. مشکل طالبان با نیروهای خارجی از آنجا ریشه دار است که آنها نزدیک ترین متحد القاعده هستند و به همین دلیل مشکل افغانستان را تنها حل مشکل در محدودهء ملی نمی دانند آنها بدنبال تغییر نظم موجود جهان هستند که این کار با شکست امریکا در افغانستان آغاز خواهد شد.

شاید تقاضای رئیس جمهور کرزی برای مشخص شدن یک ضرب الاجل برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان به نامهء حکمتیار به وی بی رابطه نباشد. حکمتیار در نامه ای به حامد کرزی طرح خود برای حل مشکل افغانستان را بیان کرده بود. در این طرح امده بود که در قدم اول باید نیروهای خارجی از مراکز شهرها خارج شوند، بدنبال آن طی یک تقسیم اوقات معین از کشور خارج گردند. تقاضای کرزی برای خروج نیروهای خارجی از مراکز شهرها در حقیقت چراغ سبزی به همین خواست بود.

اما حکمتیار در نامه ای عنوانی باراک اوباما برای حل مشکل افغانستان نکات ذیل را برای حل مشکل افغانستان و خروج نیروهای خارجی پیشنهاد می کند:

۱- خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان

۲- قطع کامل مداخلات خارجی از افغانستان

۳- انتقال قدرت به یک حکومت انتقالی بیطرف

۴- انتخابات آزاد و عادلانه در افغانستان آزاد ومستقل

۵- آزادی تمام زندانیان سیاسی

۶- آتش بس دایمی

۷- لغو تمام تصرفاتی که نیروهای اشغالگر و مزدوران شان در این مدت انجام داده اند

۸- لغو تمام معاهداتی که اشغالگران بر افغانها تحمیل کرده بودند و با استقلال وآزادی ما در تضاد است. بسته شدن تمام پایگاه ها و زندان های نیروهای اشغالگر در افغانستان. به پایان رسیدن دستگیری افغانها و محاکمهء آنها در بیدادگاهها، انتقال افغانها به زندانهای خارج از کشور و مجازات های غیر انسانی آنان.

۹- بعضی از گروه های افغانی در کشور خواهان تضمین امنیت خویش اند وبه همین دلیل ادامهء حضور نیروهای خارجی را ضروری می دانند. ما حاضریم تا این نگرانی های آنانرا رفع سازیم و برای مدت محدودی تعدادی از نیروهای بعضی از کشور های اسلامی بعنوان نیروی حافظ صلح در کشور ما باقی بمانند. (دراین مورد شرایطی را ذکر می کند).

نکتهء دیگری که حکمتیار در این نامه تذکر داده و با موضع طالبان کاملا تفاوت دارد اینست که وی می گوید هم نیروهای خارجی از کشور خارج شوند و هم جنگجویان خارجی که برای جنگ با آنها به افغانستان آمده اند این موضع حکمتیار در مورد القاعده، بزرگترین مورد اختلاف وی با طالبان است اما حتی همین پیشنهادات برای صلح نیز نمی تواند برای نیروهای خارجی در افغانستان قابل قبول باشد واین نکته را کرزی بهتر از هرکسی می داند. پس میتوان گفت که خواست آقای کرزی برای پناه دادن به ملامحمد عمر فقط یک اقدام به منظور جلب رای مردم جنوب کشور است. شاید مردمی که حضور نیروهای خارجی را دیگر به نفع افغانستان نمی دانند با توجه به این موضع آقای کرزی به این باور برسند که اکنون که کرزی در مورد حضور نیروهای خارجی نظری نزدیک به مخالفین دارد، باید از وی حمایت کرد ویک دورهء دیگر به وی مجال دسترسی به قدرت داد و این امیدی است که کرزی به آن دل بسته است.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جبهه ملی افغانستان:



تا هنوز جبهۀ ملی تصمیم به حمایت از هیچ کاندیدی نگرفته است

جنگ تنها راه حل بحران افغانستان نیست

انتخابات باید در وقت معین آن برگزار شود

رهبر جبهه ملی افغانستان در یک کنفرانس خبری، دیدگاه ها خود را در مورد اوضاع جاری کشور بیان کرد.

در این کنفرانس خبری که قبل از ظهر یکشنبه ۳ قوس در هوتل انترکانتیننتال و با حضور تعداد زیادی از اعضای شورای رهبری جبهه ملی و دهها تن از خبرنگاران و گزارشگران رسانه های کشور برگزار شد، استاد ربانی در باره انتخابات آینده ریاست جمهوری، وضعیت امنیتی و سیاسی کشور، سیاست جبهه ملی در مورد معرفی کاندید برای انتخابات ریاست جمهوری ومسایل دیگر ابراز نظر نموده و به پرسش های خبرنگاران پاسخ ارائه نمود، استاد انتخابات در امریکا را یک تحول عمدۀ تاریخی خوانده اظهار امیدواری کرد که در افغانستان نیز انتخابات، مطابق با ارادۀ ملت افغانستان، تغیراتی در وضع موجود به میان بیاورد.

استاد ربانی با اشاره به آمدن هیات حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل به افغانستان، گفت: ما امیدواریم که این هیات حقایق را بررسی و مورد موشکافی عمیق قرار دهد، نه این که مانند گذشته، به طور نمایشی به افغانستان بیایند و در پایان تنها چند راپور رسمی، با خود ببرند.

استاد ربانی با یادآوری از انتخابات آینده ریاست جمهوری، این انتخابات را بسیار مهم ارزیابی نموده، افزودند، انتخابات باید مطابق با قانون اساسی و در وقت معین آن برگزار گردد.

ایشان در ارتباط با کاندید جبهۀ ملی، اظهار کردند که در قدم اول ما یکی از اعضای جبهۀ ملی را معرفی می کنیم و در غیر آن بر اساس مصالح ملی، از خارج جبهه کاندیدی را معرفی خواهیم کرد.

رییس جبهه ملی افغانستان در این کنفرانس ضمن محکومیت حادثه ی تیزاب پاشی بر دختران مکتب در قندهار، آن را عملی کاملا غیر انسانی و مغایر با تمامی ارزش های اسلامی دانست.

استاد در این نشست خبری به موضوع مذاکره با طالبان اشاره نموده تصریح کرد، جبهۀ ملی افغانستان، طرفدار مذاکره با گروهای است که درکشمکش با دولت قرار دارند؛ اما هر حرکت باید در جهت حل مشکلات و مطابق با منافع و مصالح ملی صورت بگیرد وی تاکید کرد که این مذاکرات باید به صورت شفاف صورت بگیرد وآجندای آن روش باشد.

رئیس جبهه ملی افغانستان، بحران کنونی کمبود مواد غذایی را در تاریخ افغانستان بی سابقه خوانده گفت این حادثه با وجود سرازیر شدن ملیاردها دالر کمک جامعه جهانی به افغانستان واقع شده است. او با اظهار تاسف و تاثر عمیق از این که برخی از خانواده های افغان؛ به دلیل مشکلات اقتصادی، فرزندانشان را برای تامین معیشت سایر اعضای خانواده به فروش می رسانند. دولت افغانستان را مقصر اصلی این حادثه ی دلخراش دانست که با وجود کمک های وسیع جامعۀ بین المللی قادر به جلوگیری از آن نبوده است.

او گفت: خواست ما از دولت و جامعه ی بین المللی این است که هر چه عاجل تر به وضعیت بحرانی و ناگوار مردم افغانستان رسیده گی و کمک های عاجل به اقشار محروم و نیازمند صورت بگیرد .

استاد ربانی با یاد آوری موضوع کشت مواد مخدردر افغانستان، آن را به ضرر مردم افغانستان و جهان خواند، رهبر جبهۀ ملیّ افزود تنها کشت بدیل نمی تواند، مشکل مواد مخدر در کشور را حل کند؛ بلکه در کنار کشت جایگزین، باید کمک های دیگری به دهاقین افغانستان، صورت بگیرد. ایشان در پهلوی مبارزه با مواد مخدر و کشت بدیل، مبارزه با مافیای مواد مخدر را ضروری خواندند.

بعد از ختم سخنان رهبری جبهۀ ملی افغانستان، خبرنگاران، پرسش هایی را مطرح ساختند.

استادربانی در جواب به سوال یکی از خبرنگاران در مورد موافقت بعضی رهبران جهادی با طرح صلح آقای حکمتیار و کمک های جبهۀ ملی به آسیب دیدگان قحطی در افغانستان گفتند، خبر طرح آقای حکمتیار را از رسانه ها شنیده اند و هیچ نقشی در این طرح ندارند، اما درباره کمک جبهه به آسیب دیدگان قحطی یاد آور شدند که جبهۀ ملی افغانستان یک جریان سیاسی است و امکاناتی که بتواند کمک های قابل ملاحظه را در اختیار آسیب دیدگان قرار دهد، در دست ندارداما جبهه تلاش خواهد کرد توجه منابع کمک کننده را به این آسیب دیدگان جلب نماید.

رهبر جبهۀ ملی در پاسخ سوالی در مورد شایعۀ اختلاف نظر اعضای جبهه بر سر انتخاب یک کاندید مشخص و حمایت جبهه از آقای خلیلزاد یا آقای جلالی و برگزاری انتخابات در وقت معین آن،گفتند: این موضوع قطعا مطرح نیست و جبهه تا هنوز از هیچ شخصی اعلان حمایت نکرده وهیچ یک از اعضای جبهه تعهدی برای حمایت از کاندیدی نداشته است. فیصله های جبهه همگانی می باشد و این طور نیست که کسی به صورت فردی از شخصی مورد نظر خود حمایت کند .

استاد ربانی در جواب به بخش دوم این سوال گفتند: " در خصوص انتخابات چند مسالۀ مهم وجود دارد؛ یکی این که تا هنوز قانون انتخابات تصویب نشده است و در کنار آن کمسیون کنونی انتخابات مورد تایید پارلمان قرار نگرفته است.

استاد در مورد علت تاخیر معرفی کاندید جبهه گفتند که این موضوع صرفا به این دلیل بوده که ما نمی خواهیم با دستپاچگی عمل کنیم؛ چرا که بعضی افراد و گروه ها، می خواهند شامل جبهه شوند، ما می خواهیم با تأمل کار کنیم تا جبهه بتواند، فردی را معرفی کند که مظهر وفاق ملی باشد. در کشورهای بحران زده انتخابات باید بحران ها را از بین ببرد و با توجه به این موضوع ما در نظر داریم اقوام، گروه ها و عناصر مختلف را در تصمیم گیری ها شریک بسازیم ومصالح ملی را در نظر گرفته با احتیاط قدم بر می داریم، لذا معرفی کاندیدمان را به تعویق انداختیم.

رهبر جبهه در پاسخ به سوالی درمورد برگزاری انتخابات در وقت تعیین شده در قانون اساسی،گفتند" ما همیشه تاکید می کنیم که انتخابات باید در وقت معین برگزار شود و هرتصمیم غیر از آن را خلاف قانون اساسی می دانیم.

آقای وکیل احساس از تلوزیون آشنا پرسید، آیا این شایعات درست است که شما در جلساتی که در خارج از افغانستان داشته اید، آقای جلالی را به حیث رییس جمهور، آقای عبدالله را معاون اول و آقای محقق را به حیث معاون دوم در نظر گرفته اید و گفته می شود یکی از اعضای جبهه در واکنش به این مساله، مجلس را ترک گفته اند؟ و آیا شما نظر مثبت حزب دموکرات امریکا را نیز به دست آورده اید یا نه؟

استاد ربانی در پاسخ گفتند: ما مذاکراتی با برخی احزاب و گروه ها که خواسته اند به جبهه ملی بپیوندند داشته ایم؛ اما در خصوص مذاکره با اشخاص و حمایت جبهه از آنها، هیچ مذاکره ای صورت نگرفته و این گفته جز شایعه پراکنی، چیزی بیش نیست.

در خصوص سوال دیگرتان باید بگویم: جبهه ی ملی پیام تبریکی به آقای اوباما فرستاده و تصمیم دارد در وقت مناسب گفتگوهایی نیز با ایشان و با شخصیت های حکومت جدید امریکا داشته باشد و نسبت به این مساله خوش بینی هایی وجود دارد.

خبرنگار تلویزیون آریانا، آقای وکیل نایبی در ارتباط با پیش گامی جبهه در طرح مذاکره با طالبان و احتمال حمایت جبهه از فرد دیگر در صورت عدم اتفاق سوال کرد که استاد ربانی در این موردگفتند:" جبهه از مدت ها قبل می گفت که جنگ تنها راه حل بحران افغانستان نیست و زمانی که ما این سخنان را مطرح ساختیم، سر وصداهای به راه انداخته شد، اما دیده شد که بعدها دولت و جامعۀ بین المللی آن را به عنوان یک سیاست جهت حل بحران، در پیش گرفتند. ناگفته نباید گذاشت، جبهه به عنوان یک جریان ملی، می خواست به نحوی مساله را مطرح کند که دولت مجبور به برداشتن گام های اساسی در این راستا شود. البته تامین امنیت و موافقت جامعۀ بین المللی، همه مربوط به دولت می شود. خواست ما این است که این مذاکرات به عنوان یک مسألۀ ملی و به عنوان یک ضرورت برای امنیت افغانستان شفاف باشد و در اتخاذ تصامیم در این زمینه پارلمان، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی سهم داشته و قضایا روشن باشد" .

در ارتباط با بخش دوم سوال آقای نایبی، رییس شورای رهبری جبهه گفتند:" شکی نیست که اعضای جبهۀ ملی، بر سر یک کاندید واحد و مشخص به اتفاق نظر خواهند رسید و در صورتی که موفق به ارائه ی یک کاندید از درون جبهه نشوند، مطابق با مصالح، کاندید را از بیرون جبهه معرفی خواهند کرد .

استاد ربانی در خصوص سوال شیده مبتکر از هفته نامه جبهه ملی که در ارتباط با محور گفتگوهای برخی سران جبهه با رییس جمهوری، پرسید، گفت:" اعضای جبهه ی ملی گفتگوهایی با رییس جمهور دارند، اما این گفتگو ها پنهانی نبوده و همه در جلسات اعضای جبهه، مطرح می شود.

استاد ربانی در جواب سوالی در ارتباط با سخنان وزیر دفاع امریکا در مورد اعزام بیست هزار سرباز افغانستان وانتخابات آینده ریاست جمهوری گفت: نظر ما همیشه این بوده که با جنگ مشکل افغانستان، حل نمی شود و ازدیاد عساکر مشکلات افغانستان را حل نمی کند و حتما راه هایی غیر از راه نظامی وجود دارد.

ایشان افزودند: آقای کرزی انتخاب جبهه نیست و مردم افغانستان، دوباره تجربه های ناکام را تکرار نمی کنند. خبرنگار خبرگزاری باختر در مورد عدم حضور برخی از سران جبهه ملی در این کنفرانس پرسید، استادعلت عدم حضور برخی از اعضای جبهه را، مشکلات کاری، ملاقات ها، مصروفیت ها و سفرها دانستند.

خبرنگار هشت صبح از استاد ربانی پرسیدند آیا با مبنا قراردادن منشور صلح پارلمان، فکر نمی کنید برخی افراد چون ملاعمر و گلبدین حکمتیار از پیگرد قانونی بازداشته شوند؟

رییس شورای رهبری جبهه جواب دادند:" ما با باز پرسی از کسی مخالفت نداریم، اما نزد ما منافع ملی ارجحیت داشته، طرفدار راه اندازی هیاهونیستیم.

آقای خیرالله آزاد از روز نامۀ پیمان از تناقض گویی ها بین کمسیون انتخابات، رییس جمهوری و رییس پارلمان پرسیدند و گفتند آیا مصلحت ها بالاتر از این است که قانون اساسی افغانستان، نقض شود؟

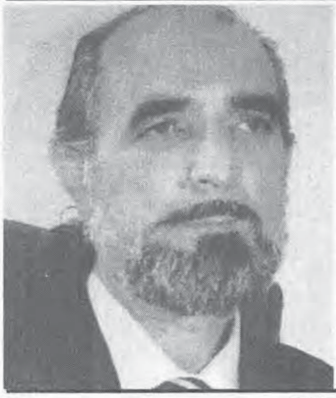
استاد ربانی در پاسخ گفتند: اختلافات ذکر شده، مسائل درون دولتی است؛ اما ما معتقدیم که نقض قانون اساسی درست نیست و صلاحیت این کار را تنها لویه جرگه بر عهده دارد نه هیچ شخص یا گروهی و ما طرفدار جدی برگزاری انتخابات در موعد تعیین شده در قانون اساسی هستیم.

ما یکی از اعضای جبهۀ ملی را معرفی می کنیم و در غیر آن بر اساس مصالح ملی، از خارج جبهه کاندیدی را معرفی خواهیم کرد.

رییس جبهه ملی افغانستان در این کنفرانس ضمن محکومیت حادثه ی تیزاب پاشی بر دختران مکتب در قندهار، آن را عملی کاملا غیر انسانی و مغایر با تمامی ارزش های اسلامی دانست.

استاد محمد نورعلی، شاعر و نویسنده تاجیکستان در گفتگو با هفته نامهٔ مجاهد:

شوروشرق فرهنگی درافغانستان جایگاه بلندی دارد



استاد محمدنورعلی درسال ۱۹۵۵ دردامن کوه درهٔ دشت جم درسواحل رود پنج میان تاجیکستان و افغانستان دیده به جهان کشود.

هنوزدرسنین کودکی قرارداشت که جبرتاریخ اورا با همراه خانواده اش (درسال۱۹۶۱) به ولایت کولاب مهاجرساخت ودرناحیه یی به نام مسکوویسکی یعنی مسکوکوچک که درزمان حاکمیت روس ها همه چیزنام روسی به خود گرفته بود، سکونت گزیدند.

اومکتب ابتدائیه را درسال ۱۹۷۲ م میلادی به پایان رساند.سپس شامل دانشکدهٔ زبان وادبیات تاجیکی درمرکز ولایت کولاب گردید .

به قول خودش درمدت چهارسال دوران فاکولته،دردامن اندیشه های مارکس ،انگلس ولینین درس فراگرفت وتربیت یافت،اما دراین مدت سوز ایمان وعقیده اورا ازاندیشه های ناب اسلام فرهنگ اصیل تاجیک ، به دور نساخت وهمیشه به فکر آن بود که ملت تاجیک چگونه خواهندتوانست دوباره به اصل خویش برگردند.

فرصتی مساعدشد و گفتگویی را باوی انجام دادیم که محور اساسی آن را موضوعات فرهنگی وحوزهٔ شعری تشکیل می دهد.

مجاهد: استاد ! امروزه بحث هویت یابی دردنیای بعد ازبحران به عنوان یک دغدغه درمیان شهروندان، بخصوص جوانان مطرح است ، این موضوع تاچه اندازه درمیان مردم تاجیکستان مهم پنداشته می شود؟

استاد محمد نورعلی: خوشبختانه من درمدت کمی که درافغانستان هستم درمی یابم که شور وهیجان فرهنگی دراین جا دریک جایگاه بلندی قراردارد . چیزی که متأسفانه درتاجیکستان کمتربه مشاهده می رسد.

مردم ما فعال نیستند. مکتب ومدارس ما تشکل گراعمل می کنند تا واقعگرا بودن.درتاجیکستان همه مردم تحصیل می کنند، اما این تحصیل روح وصفت وکیفیت ندارد وچیزی است که ازگذشته ها به میراث مانده است.

یعنی نسلی که امروز بر سر کاراست، ازبازماندگان شوروی سابق ذهنیت رابه میراث گرفته اند، باید کارشود وراه طولانی داریم تادوباره هویت گم گشته خود را درحوزه فرهنگی به دست آریم.

مجاهد: شما شاعرهم هستید، ازچه وقت به سرایش شعر روی آوردید؟

استاد محمد نورعلی: خوب یادم هست زمانی که من بچه بودم ودانش آموز مدرسه همگانی شعرمی گفتم .

استاد به ادامه می گوید درسن چهل سالگی به شعرهایم ارزش بیشتری قایل شدم وازآن ها محافظت کردم که کنون صاحب دیوان هستم.

مجاهد: ازشعرای متقدم به شعر کی علاقهٔ بیشتر دارید؟

استاد محمد نورعلی: حضرت رودکی به عنوان یک استاد درعرصه اخلاق آموزگار خوب است ومدیون وی هستم ودر تصویر شعری صائب تبریزی را خوش دارم.

مجاهد: ازشعرای معاصر افغانستان شعر کدام شاعر را بیشتر می پسندید؟

استاد محمد نورعلی: متأسفانه درگذشته این قدر خط سرخ میان ما کشیده بودند که ما هیچ اطلاعی ازوضعیت شعری افغانستان وایران نداشتیم، اما اکنون خط ها وجود ندارند. استاد خلیل الله خلیلی ودیوان اشعارش را همه دوست دارند ومی خوانند که بنده هم ارادت مند شان هستم واورا به صفت یک ابرمرد درحوزه شعرمی شناسم.

مجاهد: شما درچه سطح شعر می گویید؟

استاد محمد نورعلی: باید بپذیریم که ما حافظ شیرازی وسعدی شیرازی ومولانا شده نمی توانیم ! دربین مردم هم دیگر این قدر شعرخوان وشعر دوست نیست که نیاز به محصول نوداشته باشد.

به همین خاطر گاه گاهی بسیار فکرمی کنم که شعر گفتن یک زحمت بی جا وتکلیف است، اما شعر گفتن یک درد است، انسان دردمند نمی تواند ازکنار آن به آسانی عبورکند.

مجاهد: گاهی هم شده که کسی یاگروهی شما را به خاطر شعر گفتن تان ملامت کرده باشند؟

استاد محمد نورعلی: درتاجیکستان چندسال پیش یک گویش پیداشد که گفتند شعرشعر نه لباس به مردم می دهد ونه نان! اگراین ها این قدر می فهمند ودانا هستند باید دنبال یک کار خلاق بگردند!

بیشتر شعرا دراین مورد سکوت اختیارکردند، اما من به مقابله برخاستم وگفتم قورباغه را پرسان کردندکه زیباترین بچه بچه کیست ؟ گفت : بچه من.

شعربچهٔ شاعر است وقتی کسی به بچهٔ ما بتازد درواقع مارا درد مند می کند.

مجاهد: به خاطر تبادل تجارب بین شعرا و فرهنگیان دوکشور چه باید کرد؟

زنده سازی خط فارسی درتاجیکستان تبادل فرهنگی، تأسیس انجمن های شعری برگزاری محافل رسمی بین دوکشور می تواند راهکار خوبی به این منظور بوده باشد. خدا خیر بدهد آتشه فرهنگی افغانستان و رایزنی فرهنگی ایران را که دراین عرصه، فعال ترعمل می کنند.

استاد محمد نورعلی: زنده سازی خط فارسی درتاجیکستان، تبادل فرهنگی، تأسیس انجمن های شعری برگزاری محافل رسمی بین دوکشور می تواند راهکار خوبی به این منظور بوده باشد. خدا خیر بدهد آتشه فرهنگی افغانستان و رایزنی فرهنگی ایران را که دراین عرصه، فعال ترعمل می کنند.

مجاهد : به نظر شما فرق بین زبان دری، فارسی وتاجیکی وجود دارد یاخیر؟

استاد محمد نورعلی: من ومردم تاجیکستان معتقدیم که این زبان ها یکی اند. اما فرق تنها درگویش ها ولهجه ها باشد وهیچ بهانه یی برای جداسازی این یک زبان به سه زبان وجود ندارد. ازنظرمن دوچیز می تواند فاصله ایجاد کند :

درگذشته استعمار شرقی وغربی وامروز برتری طلبی ها ی برخی ازافراد فاشیست .

مجاهد: به نظر شما درشرایط فعلی چه تحولاتی درشعر تاجیکستان به وجود آمده است؟

استاد محمد نورعلی: شعر هم مضمون وموضوع دارد وهم شکل، ازلحاظ شکل شعردرتاجیکستا ن حالت نو، به خودگرفته است وازلحاظ موضوع نسبت به گذشته که تنها را جع به تاجیکستان شعر می گفتم اما حالا منطقه ای را دربرمی گیرد که مشمول افغانستان، ایران، ... می شود .

به طور مثال شعر" همدردی" که من سرودم درآن خودرا سریک همه دردها ورنج های مردم افغانستان می دانم.

دعا در آینهٔ شعر جهاد و مقاومت

این شام سیاه ما سحر کن

عبدالقیوم ملکزاد

از مولانا غوث الدین مستمند غوری – که شاعری است خوش قریحه و دارای طبع روان– نیایش نامه هایی فراچند آمده که اکثر آن ها را در سنگر جهاد انشاد کرده است. مستمند مثل اکثر مجاهدین که به خاطر اکمالات و رفع نیازمندی های شان به دیار هجرت آمد و شد داشتند، گه گاه وارد اردوگاه مجاهدین می شد، در آنجا نیز دست به سرایش اشعار می زد و چکیده هایش زینت ده نشرات جهادی از جمله مجاهد و میثاق خون و اسلام ژغ ، شهید زیری و ... می گردید.

یکی از دفتر های شعری مولانا مستمند "سوگنامه" عنوان دارد که آغازین ابیات آن مناجاتی است به درگاه قاضی الحاجات.

آنچه از اشعاروی مشهود و ملموس می باشد، این است که مستمند وقتی به دیار هجرت می رسید، به زودی احساس خستگی و دلتنگی می کرد و هوای رفتن به سنگر به سرش می زد. دو بیتی زیر ـ که با صبغهٔ نیایش آراسته آمده ـ شاهد ادعای ما می باشد:

خدایا چاره سازو کبریایی   از این محنت سرایم ده رهایی
رسان بر نازنین ملک و دیارم   که این جا نیست هرگز آشنایی

مستمند هر زمانی که خود را دور از وطن می یابد، قلبش را انباشته از ناله های زار می بیند، شادی و فرحت از آسمان زندگی اش می پرد، آنگاه نوای دلپذیری به گوش او نمی چکد، دلش آرام نمی گیرد، الا با بودن در آغوش کشور! دو بیتی شاعر را که با همین روحیه و مفهوم انشاد شده، با هم می خوانیم:

خدایا مستمند دلفگارم   تو دانی ناله های زار زارم
به دیدار وطن کن شادمانم   عطا کن مشعلی در شام تارم

یکی از سروده های مستمند که به اسلوب مثنوی می باشد، به تاریخ ۲۵ سنبله ۱۳۶۴ انشاد یافته. وی در این شعر از آزادی منطقه یی به نام "آهنگران" واقع در چخچران به دربار خدای ذوالمنان اظهار شکران می کند:

خداوندا منم ممنون احسان   زجور ملحدان بودم پریشان
درآن غربت در آن آوار گی ها   هجوم غصه ها بی چار گی ها
به ملک دیگران بودم مهاجر   زغم های وطن ازرده خاطر
شنیدم چون جفای روسها را   ستمگر کافران بی خدا را
بگفتم ماتم آهنگرانم   بر آوردم دو دست نا توانم
زصدق قلب خود کردم دعایی   به اشک و آه کردم التجایی
نبودم گرچه از اهل سعادت   دعایم گشت مقرون اجابت
خدایا شکر بی پایان ترا باد   که آن مینو سرا گردیده آزاد

مستمند در ادامه شعر خود ضمن ابراز همدردی با مردم مظلوم و سوز و آهی که در سینه اش انباشته است، آرزوی دیگر خود را اینگونه بیان می دارد:

خدایا مستمند نا توانم   طریق داد خواهی را ندانم
درون سینه دارم سوز و آهی   پریشان خاطر و حال تباهی
تو خود تاثیر در گفتارم افگن   نگاه لطف بر کردارم افگن

همینطور وقتی که دفتر "سوگنامه" مولانا غوث الدین مستمند را بکشایی، در می یابی که محتویات آن سراپا مشحون از شکوه است و اندوه و ناله و تمنا و التجا...، شکوه از بیداد متجاوزان و جنایات آدمشکان...، شکوه از بی وطنی، آوارگی و در به دری...:

ای خدا باشم پریشان تا بکی   داغ حسرت بر دل و جان تا بکی
تا بکی این ظلم و استبداد روس   تا کجا این آتش بیداد روس
این وطن ماوای بی دینان نبود   جایگاه نا مسلمانان نبود
خود گواهی تا به دوران بوده ایم   پاسبان دین و ایمان بوده ایم
سومنات هند را بشکسته ایم   راجهٔ اجمیر را ما بسته ایم
بود عشق حق توان بخشای ما   زنده در سینه، دل شیدای ما
هر کجا در زیر سقف آسمان   بود ما را فتح و پیروزی نشان
این خراسان جایگاه شیر بود   تابناک از مصحف و شمشیر بود

چنانچه خواندیم، مستمند ضمن اشاره به تاریخ درخشان مردم کشور و فتوحاتی که از رکاب سرافرازان آن روزگار بوسه می ربود، از حاکمیت بی خدایان (روس ها وکمونیست ها) شکوه سر داده و فریاد کشیده که اینک سرزمین قهرمان پرور، پایمال لشکر سرخ و بی دینان شده ... او بار دیگر از جور وجفای بی پایانی که بر مردم بیچاره می رود و از برنامه ها و پلان های شومی که دشمنان برسر می پرورند، این گونه پرده بر می دارد:

ایزدا این پاک قرآن را ببین   کرده زیر پای، شیطان را ببین

و پس از ابیاتی می نالد:

داد بخشا! تا به کی بر ما ستم   تا بکی هردم نصیب ماست غم؟
تا به کی این بمباردهای بی امان   تا به کی آواره و بی خانمان؟

متعاقباً باز به شرح جنایات ارتش سرخ می پردازد، از به خاک و خون افتادن انسان های مظوم می گوید و از جاری شدن اشک های بیوه گان و یتیمان و آه و ناله آنان می موید و فریاد می زند:

کردگارا بنگر این آوارگان   جمله مشمول خدایی امتحان
تشنه گان را آب خاطر خواه نیست   لقمه نانی گاه هست وگاه نیست

مولانا مستمند در مناجات نامه یی که به مناسبت حلول ماه صیام سروده، آخرین ابیات خود را با کسوت زربفت نیایش آراسته و در آن از خدا خواسته تا به طفیل شهر رحمت، به روحانیت قرآن عظیم الشان، به یمن شب خجسته قدر و به برکت نماز های تراویح و قیام های لیل، شام ملت مظلوم را بر صبح مبدل فرماید:

یارب به صیام شهر رحمت   ما را به کف جور مسپر.
یارب به طفیل شام افطار   مگذار که غم شود مکرر
این شام سیاه ما سحر کن   ای خالق آب و خاک و آذر

ماندگاری ملت های دچار بحران از چه طریقی میسراست؟!

سید عنایت الله شاداب استاد دانشکدهٔ شرعیات

اشاره: بخش اعظم مایه های فکری این مقال، از مقاله یی است که مفکر بزرگ و دعوتگر مشهور اسلامگرای ترکیه" محمد فتح الله گولن" که در دهه هفتاد قرن بیست هنگامی که ترکیه در بحران لجام گسیختگی و ترورها دست و پا می زد، نوشته کرده است. بخاطر تشابه وضع ترکیه آن وقت به افغانستان امروز تصمیم بر آن گرفتم که بر گردان آن از عربی در اختیار خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد گذاشته شود.

پیش از این که به اصل مطلب بپردازم، بی جا نخواهد بود" براعهٔ الاستهلال" گونه، نکاتی را در برابر خوانندگان این مطلب که به نحوی به وضع کنونی کشور ما هم پیوند می خورد قرار دهم.

آری! تاریخ معاصر کشورهای عقب مانده شاهد جریان های فکری بی شماری بوده و انسان هایی که دراین گونه جوامع به سر می برند، با بحران های خفقان آوری دست و گریبان اند، بحران هایی که در ذات خود خاستگاه این جریان های فکری نیز به شمار می روند.

پژوهش ها و مطالعات اجتماعی، جوامع بشری در دو کتگوری به بحث گرفته و فراز و فرود بحران ها را در آن ها به خوانش می گیرند که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

- جوامعی که نیاز های مادی و معنوی آنان اشباع نگردیده و نتوانسته اند انکشاف و تحول طبیعی خویش را توسعه داده و آن را سرعت بخشند. فشارهای خارجی و داخلی در میان آنان رو به تزاید و بحران ها در میان شان قوس صعودی خود را می پیماید. جوامعی که نیازهای آن اشباع گردیده است، مشکلات اجتماعی شان بسیار کم بوده و حتا می توان گفت که در خط نابودی قراردارند.

جامعه بشری با آنکه نسبت به بحران ها نظر نیک ندارند، اما در واقعیت امر، همین بحران ها اند که در راستای احیا و نوسازی جامعه اثر گذار بوده و او را در شناخت عصری که در آن زندگی می کند کمک و یاری می رسانند.

بدون شک جامعه که از شناخت ماهیت عصر زندگی خود ناتوان باشد و با پدیده های عصر خویش همآوایی نداشته باشد، نمی توان آن جامعه را جامعهٔ تصور کرد که در آن عصر زندگی می کند، چنین جامعه، جامعهٔ خواهدبود رهسپار راه پراگندگی و نابودی ناگفته نباید گذاشت که:

وجود چنین تکان ها و فشارهای داخلی و خارجی درعقب این بحران ها طبیعت جهانی داشته و مقدمهٔ می باشند برای تلاش های تحول خواهانه و تشکیل ساختار های جدید.

ملتی که در برابر این گونه تکان ها و فشارها و ساختارهای جدید از خود مقاومت نشان داده و نابود نمی گردد، سهم خود را خواهد گرفت و می تواند در ایجاد جهان نوین سهیم گردد.

با اشاره به نکات یاد شده باید تذکر داد که ملتهای در گیربحران از جمله ملت ما -که گوئی بحران در زندگی سیاسی او حالت اصلی را به خود گرفته است- از این امرمستثنا نبوده و باید در معرض چنین تکان ها و بحران ها قرار گیرند و جرعهٔ از این آلام و مصائب را بسر کشند

ولی سخن اصلی در این راستا این است که باید ایجاد چنین تحولات احیا گرانه، بر پایه ها و مبادی درست و نیرومندی استوار باشند که با گذشت زمان کهنه و متزلزل نشوند، زیرا اگر به قوانین و سنت های اجتماعی آشنایی کامل نداشته باشیم و به معالجه این مشکلات به گونه علمی نپردازیم، بدون شک، همه نتیجه معکوس خواهد داد. ما امروز بر سر دو راهی قرار داریم که یا راه ماندگار باشیم و یا زوال و نابودی را در پیش گیریم.

در پی این همه بحران خفه کن و اختناق زا یا بحیث یک ملت، عاقلانه حرکت کرده و در بنیادگذاری جهانی که خواهان آن هستیم پیروز و کامیاب باشیم و خدای ناخواسته در اثر چسپیدن به منافع محدود و مصالح زودگذر نتیجه همه این مشکلات را بدون گرفتن بهره مطلوب بباد خواهد داد به قهقرا بر گردیم. نیاز اساسی ما در این برهه زمانی و یکی از موضوعات مهمی که اهمیت آن را نباید نادیده گرفت، همانا موضوع وحدت و اتفاق است، موضوعی که در مرحله کنونی نسبت به هر وقت دیگر از اهمیت ویژهٔ برخوردارمی باشد، زیرا اکنون آمادگی که برای زندگی در یک فضای نو به حیث یک ضرورت مطرح بوده و از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی شود در وضع کنونی از آن بی نیاز بود. اهمیت استثنایی این موضوع اکنون در پیشاپیش همه مسایل اجتماعی قرار دارد.

این اختلافات بدون دلیل که ملت ما از مدت ها بدین سو، بهای کمرشکن آن را پرداخته است، دراین روز های که رهبری ما بیشتر در دست احساسات و عواطف قرار دارد نه عقل، موجب تشویش فراوان گردیده است، و بدون شک می توان گفت که خطر بزرگ تر از این خطر همه گیر در برابر ما در این مرحله خاص قرار ندارد.



جامعه ما در این مرحله از ناحیه ساختارهای علمی و فکری بسیار ناتوان بوده همانگونه که از زندگی روحی فقیراست از قیادت و رهبری نیز محروم است، فقر و محرومیتی که باید در سوگ آن نشست و برایش مرثیه خواند.

بدون نا بودی چنین فضاهای تعصب زا و دیگر نپذیری و عدم مسامحه گرایی سخن از وحدت واتفاق، امری خواهد بود بیهوده وعبث.

از آن جایی که تفاهم و توافق مساله یی است مبتنی بر عقل و منطق، بنابراین، وحدت مستمر و پایا، همان وحدتی خواهد بود که برعقل و منطق و دل های بیدار استوار باشد، اما وحدت و برادری موجود در میان ما اکثر بر بنیاد احساسات و عواطف قرار دارند و بدون شک همچو وحدتی ضعیف و ناقص و کم عمر می باشد، این گونه وحدت ها به گونه عام عبارت از تجمعات و همایش های اند که بر ضد مجموعه مشخصی راه اندازی شده و یا اجتماعاتی اند که به منظور انتقام خواهی ها، آن ها را به وجود آورده اند و یا برای هجوم بر جهتی یا در راستای جلوگیری از هجومی سرو سامان داده شده اند...

بدون شک چنین اجتماعات مبتنی بر احساسات و عواطف، به سان آن فواره های می باشند که که در اثر امواج، مرحله یی به میان آمده و زود نابود می شوند.

چنین حرکت ها در کشور و ملتی که دشمنان، از هر جهتی او را احاطه نموده اند، از نگاه کمی و از نگاه کیفی نمی توان آنها را کافی و بسنده تلقی کرد این گونه حرکت ها از نگاه مبادی دینی ما هم نمی توانند مورد تایید قرار گرفته و در اینده ملت ما اثر گذار باشند.

ادامه دارد

انتخابات ریاست جمهوری و ...



برخی از آنان اوضاع جغرافیایی و جوی را دلیل به تأخیر انداختن انتخابات به ماه میزان سال آینده - آنچه که کمیسیون انتخابات تبلیغ می کند- می دانند. و برخی دیگر اوضاع امنیتی را دلیل به تأخیر انداختن آن به الی ما شاء الله! و اما رئیس جمهوری این دلائل را سبب به تأخیر انداختن انتخابات به سال ۲۰۱۰ میلادی خوانده است! او این مطلب را در نشستی خبری مشترک با یاهوپ شیفر دبیرکل سازمان ناتو روز چهارشنبه ۶ قوس در کابل بیان داشت.

اما کسانی که بر برگزاری انتخابات در بهار سال آینده تأکید می ورزند به قانون اساسی استدلال می کنند. قانون اساسی در فصل رئیس جمهور در مادهٔ شصت ویکم می گوید: "وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد.

" انتخابات به منظور تعیین رئیس جهمور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می گردد"

این مادهٔ قانون اساسی از ماده هایی صریح به حساب می آید که تأویل و تفسیر بردار نیست چون این ماده از بینات است، و به تفسیر و تأویل در جاهایی نیاز است که ابهام و اشکالی در کار باشد و بیّن و آشکار بیان و تفسیر را بر نمی تابد و به قول اصولیان:" البین لایحتمل البیان"

انتقال موعد انتخابات به ماه میزان سال آینده در توان هیچ مرجعی نیست و هیچ راه حلی قانونی هم برای آن پیش بینی نشده است، نه می شود جوزا را میزان تفسیر کرد و نه اول را می شود پنجم و یا ششم خواند و نه هم سال پنجم را می توان سال ششم یا هفتم کرد. اگر قرار باشد ما به هوای نفس متون واضحات را چنین تفسیر کنیم، دیگر همه موازین فرو می ریزد و ما هرگز نمی توانیم برای هیچ واژه و عددی مفهومی ویژه اراده کنیم و ناچاربه انارشیزم منطق دچار خواهیم شد.

لذا با تغییری در موعد برگزاری انتخابات تنهاکاری که انجام می شود نقض صریح قانون اساسی است.

به واقع برگزاری انتخابات در ماه حمل و ثور در بسیاری از مناطق کشور خالی از دشواری نیست ولی باید توجه کرد که بازهم با این دلیل نمی شود قانون اساسی را نقض کرد.

بی تردید تابستان سال موعدی مناسب برای برگزاری انتخابات است. اکنون این سؤال مطرح می شود که چرا این موضوع در ایام تسوید و تصویب قانون اساسی مدنظرگرفته نشد؟! و اگر جز در تابستان نمی شود در افغانستان انتخابات برگزارکرد پس باید این کار از راه تعدیل قانون اساسی انجام پذیرد و آن براساس قانون اساسی تنها از طریق برگزاری لویه جرگه (مجلس بزرگ) میسر است.

طرفداران نقض قانون اساسی به دلیل نا مناسب بودن وقت برگزاری انتخابات، تنها طرفدار به پس انداختن آن هستند و نه پیش انداختن آن که تابستان یا میزان امسال باشد. هر چند این هر دو نقض قانون تلقی می شود، اما چرا تنها طرفداران نقض، تنها طرفدار نقض به پس هستند و از نقض به پیش حرفی نمی زنند.

با برگزار نشدن انتخابات ریاست جمهوری در موعد معین آن حکومت کنونی، تمامی پایه های مشروعیت خود را از دست می دهد و افغانستان در وضعیت پیش از امضای موافقت نامه بن قرار خواهد گرفت، چیزی که هم برای کشور و مردم ما و هم برای جامعهٔ جهانی بسیار سنگین تمام خواهد شد.

روزجهانی محوخشونت ...

علیه زنان " نام گرفته است. کارنامه حکومت ها و کشورها درمورد بهبود وضعیت زنان و تلاش ها برای جلوگیری ازخشونت مورد ارزیابی قرارمی گیرند. درافغانستان نیز ازچند سال بدین سو ازاین روز تجلیل به عمل می آید. زنان افغانستان بارها قربانی رفتارهای افراط و تفریط از سوی حاکمان این سرزمین گردیده اند.

شاید یکی ازسیاه ترین فصل زنان افغانستان، حاکمیت پنج ساله طالبان باشد که زنان ازهرنوع فعالیت . آموزش و پرورش و حضور درفعالیت های سیاسی و اجتماعی محروم گردیدند. و در بسیاری ازمناطق دیگرکه گاهی درآن مناطق نبرد میان دولت و طالبان رخ می داد، بیشترین قربانیان را زنان و کودکان تشکیل می دادند که بررسی این بحران ،تراژیدی ترین حیات زنان را نشان میدهد. دراین روزها مذاکره باطالبان و بازگشت طالبان به حاکمیت و یا تقسیم قدرت سیاسی آوازه گردیده است. در روح وروان زنان یک باردیگر آن کابوس گذشته تداعی می گردد.

هرچند درقانون اساسی کشورتبعیض علیه زنان مردود شمرده شده است و به رغم تبعیض های مثبتی که ازسوی حکومت صورت گرفته است، اما درافکار و اذهان عموم جامعه تغیراساسی و بنیادین درخصوص شناخت حقوق زنان رونما نه شده است. هنوز نگاه منفی به زنان و سنت های غلط ، ازقبیل ، بد دادن ، شکنجه ، تبعیض وخشونت های سازمان یافته علیه زنان ، نشانی از وضعیت موجود دربخش هایی ازکشوراست. قتل زنان ژورنالست ، فعالین سیاسی و اخیرا موارد تیزاب پاشی به روی زنان و دختران به عنوان حرکت های نگران کننده علیه زنان به شمار می آید و باورهای زن ستیزی را در کشورتغذیه وتنمیه می کند. تلاش های سمبولیک دولت به زنان هرگز نمی تواند ، باورهای حاکم درجامعه را تغیر دهد و از درد و رنج زنان بکاهد. امروزجامعهٔ افغانستان درخصوص حقوق زنان و محوخشونت . نیازبه آگاهی دارد تا باورهای مردم تغیر یابد. بدون تغیر درسلوک و باورهای ناسالم مردم نمی شود به این بحران خاتمه داد. این کار نیاز به تلاش های مستمر وآگاهانه دولت و مردم دارد و در این اهداف شریفانه ، نه تنها دولت باید ازیک استراتیژی مشخص برخوردار گردد، بلکه این کار باید به یک مبارزه ملی و قانونی درکشورتبدیل گردد.

از حقیقت تا حقیقت یابی شورای امنیت در افغانستان



ابوبکر سبزوار

آمدن هیأت های خارجی به افغانستان کاری غیر معمول نیست، اما در این اواخر سفر هیأت پانزده نفری شورای امنیت سازمان ملل متحد به افغانستان از آنجا مهم تلقی گردید که صفت (حقیقت یاب) را نیز با خود همراه داشت.

بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ این شورای امنیت سازمان ملل بود که مجوز حمله به افغانستان را صادر کرد و نیز کنفرانس بن به ابتکار سازمان ملل متحد بمیان آمد که برای افغانستان مسیری برای حرکت بسوی یک آیندهء مبتنی بر یک نظام مردم سالار را ترسیم نمود. اما به نظر می رسد که جستجوی حقیقت ودریافت درست یا نادرست پیموده شدن این راه، پس از هفت سال کمی دیر است.

در طول این هفت سال افغانستان از وجود یک حکومت ضعیف و درگیر فساد رنج برد. عملکرد های نیروهای خارجی در مبارزه علیه تروریسم صدمات زیادی به مردم غیرنظامی وارد نمود و به همین دلیل بجای اینکه در تامین امنیت در کشور موثر باشد برعکس موجب تشدید ناامنی و خشونت گردید.

افغانستان در هیچ دوره از تاریخ خود اینقدر در محراق توجه جهانی قرار نگرفته و اینهمه تعهد به کمک را بخود ندیده بود اما این کمک ها در کاهش فقر مردم این کشور تاثیری نداشت. هنوز اکثریت مردم در زیر خط فقر قرار دارند.

نقش آقای خلیل زاد

هرچند ریاست این هیأت را نمایندهء ایتالیا در سازمان ملل متحد بعهده داشت، اما نقش زلمی خلیل زاد از دو نظر در ترکیب این هیأت مهم بود؛ یکی اینکه وی نمایندهء ایالات متحدهء امریکا در سازمان ملل است و دیگر اینکه وی یک شخصیت افغانی الاصل است که سالهای طولانی در رابطه با افغانستان فعال بوده است. خلیل زاد هرچند وابسته به حزب جمهوریخواه و کمپنی های نفتی است اما تجربهء کاری وی از دوران جهاد با رهبران مجاهدین و آشنائی با آنان موجب گردیده است که حتی حکومت های دیموکرات در امریکا نیز به مشوره های وی گوش فرادهند. درشرایطی که رئیس جمهور منتخب امریکا بارک اوباما با ابقای رابرت گیتس وزیر دفاع از حزب جمهوریخواه در تیم کاری خودش می خواهد یک تیم کاری فراحزبی داشته باشد، بدون شک خلیل زاد از کسانی نیست که نادیده گرفته شود.

خلیل زاد در بمیان آمدن تیم کاری برهبری آقای کرزی و ساختن قانون اساسی و شماری از مسایل دیگر که بر روند موجود حاکمیت در افغانستان تاثیر گذار بود، نقش مهم ایفا کرد و بنابراین بخشی از ناکامی این حکومت به وی نیز رابطه می گیرد.

نقش سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد که اکنون هیأت حقیقت یاب به افغانستان می فرستد نیز در این اشتباهات بی تقصیر نیست. عملکرد های الاخضر ابراهیمی نمایندهء این سازمان در افغانستان در برههء حساس از زمان و تشکیل لویه جرگه ها قابل بحث است.

مسئلهء مهم اینست که شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور مجوز حمله به افغانستان، در حقیقت در اشتباهات نیروهای خارجی در افغانستان دخیل است. این سازمان در طول هفت سال گذشته دو بار با اعزام هیأت به افغانستان سعی کرد تا مسایل را مورد بررسی قرار دهد که هیأت اخیر، سومین مورد از این سفر هاست، اما نتیجهء ملموسی از این رفت وآمد ها بدست نیامد. کشتار غیرنظامیان ادامه یافت و در عملیات خودسر نیروهای خارجی کاهشی رونما نگردید.

این مسایل موجب گردید که سرانجام حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان انتقاد از عملکرد های خارجیان را از سطح جلسات سری و محیط های سربسته، به سطح رسانه ها بکشاند. اعزام این هیأت از جانب شورای امنیت با موضعگیری های اخیر رئیس جمهور بی رابطه نیست.

سازمان ملل متحد می داند که ماموریت افغانستان، دشوار و پرچالش است اما برای اینکه بتوان بر این چالش ها غالب آمد، نیاز به بازنگری است. سازمان ملل برای ایفای یک نقش فعالتر در افغانستان نیاز دارد تا دفتر یونما در افغانستان را فعالتر سازد. نقش هماهنگ کنندهء این دفتر باید تقویت بیشتر یابد و بصورت خلاصه سازمان ملل متحد در کشوری مانند افغانستان نیاز به فعالیت های مثمر تر و تاثیرگذار تر از آنچه که تاکنون دیده شده دارد اما تصویری که در ذهن مردم از یونما وجود دارد، مداخله در جریان انتخابات بوده وبس.

تاثیرات منفی کمک ها

کشور های کمک دهنده به افغانستان می دانند که اوضاع بسرعت به وخامت می رود اما آنها می خواهند بدانند که چرا کمک های شان در گذشته موجب بهبود وضع اقتصادی مردم و کمک به تامین امنیت نگردید. به چه تغییراتی در راهکارها نیاز است تا وضع بهبود یابد.

همه میدانیم که فقط اعلان کمک در کنفرانس های بین المللی وحتی وفا به وعده از جانب کشورهای کمک دهنده و آمدن پول گره کشای مشکل افغانستان نیست. زمانی میتوان از موثریت روند کمک ها سخن گفت ادامه در ص ۷

ازاد بازار که دولتی شتمنو ...



د هیواد د اساسي قانون در جرګې په مهال یوله هغو نسمو پریکړوڅخه چې د جرګې په غرو په قچ قي تعبیرسره تیره شو، د آزاد بازار تصویب وچې له ورایه دغه کلمه او تعبیرو څه بنه غوږ اوزږه رابنکونکی سبنکاریده خو په حقیقت کې د افغانستان په څیریو وروستي پاتې هیواد لپاره هیڅ ګټه نلري. په هغه مهال هم د هیواد یو شمیر پوهه او بادرد و افغانو د دې کلمې سره مخالفت ښودلی ؤ خو جرګه په مجموع کې د ځانګړي ترکیب له مخې چې ډیر غړي یې د دولت هغه سیمه اېز چارواکي(د ریاستو نو خاوندان). د مرستندویه مؤسسو سره تړ او لرونکي او دقوماندانی نښه تیرونکي جهادي قوماندان ؤ چې جرګې ته یې دلایحي له مخې لاره پیدا کړې وه. دوه دري سترلاملو ؤ دغو افغانو ځیني پریکړ په معنایي له پوهیدو پرته هم منلي. یو لامل داؤ چې بشرد حقونو د دوسیو ځیني قوماندانان دې ته اړکړي ؤ چې په دولت کې د مهمو مهرو اشارې ومنې اوبل څمونږ تولنې پانګوال خلک هم دوې ؤ چې آزاد بازار یې د نامه له ورایه خلا لامله دخانونو په ګټه ګڼلو او فکرېې کوه چې د آزاد بازار کلمه څمونږ د آزادۍ او خپلواکۍ پانګوالۍ په معنده همدارنګه یو شمیر غړي هغه څوک ؤچې هغوی د مرستندویه نړیوالو موسسو لخوا د دوی د خپلو موسسو سره مرسته د آزاد بازار په شرط منلو کې لیده نو ځکه د هغه پوهانو. فرهنګپالو او هیوادنۍ مینی لرونکو افغانو داعیه دغه کټګوریو خلکونه منله او عواملوته یې مونږ اشاره وکړه.

داچې آزاد بازار ولې څمونږ دهیواد د خلکو په ګټه ندی. یوه علمي او اختصاصي موضوع ده چې بې شمیره دلایل لري خو دلته په مونږ یوازي په دې اکتفاء وکړو چې په کوم هیواد کې د پانګوالو په پرتله بې وزله او خواران او یا هم د متوسطې طبقه خلک ډیروي. هلته کله هم دپانګوالو نظمونو پروګرامونه یا په بل عبارت د کپیتلستي اقتصادي نظام ګټې او لاسته راوړنې دغه اولس په ګټه نه وي. بلکې یو محدوده طبقه د آزاد بازارله برکته په عام ولس د حکومت پرځی واکمن ګرځی او په هیواد کې همغه اقتصادي پلانونه رشد کوی او پکې پانګه اچونه کیږي چې د محدودې پانګوالي طبقه ګټې خوندي کوي ځکه پانګه اچونه او نه هم واخلې پانګه اچونه او اقتصادي تشبثات د ولس د خلکو دردونه دواکوي ځکه پانګوال چه هغه څه کې پانګه اچونه کوې چې د دوی ګټې خوندي کوي. نه د عام ولس. دولت هلته د یو بې وسلې کنترولراو پولیس پرته بله څه معنا نلري وبیا په ځانګړې توګه څمونږ د هیواد په څیر یو د پرورسته پاتې خلکو د دولت او د دوه دریو لسیزو جګړو لامله شریدلی دولت لویدیځه نړۍ د کمونیستي بلاک په ماتیدو او د کمونیزم د مفکورې په مسخره ګرځیدوسره له خپل پانګه وال اقتصادي سیستم څخه په زغرود دفاع کوي او داسې فکرکوي چې ګویې یوازې پانګه وال نظم دی چې خلکو ته په اقتصادي چرواکې د آزادۍ ورکولو له لپاره هڅونې لري. پداشې حال کې د اسلام سپڅلی دین یوبشپړاو په زړه پوري اقتصاد نظم لري. هغه چې د فرد ملکیت محترم ګڼي خو دټولنې د ګټو په ولاندې بې مهروي پدې معنا چې که چیرې دفرد ګټې د ټولنې دګټو سره په ټکر کې لویږي نو بیا یې مطلق العنان نه پریږدي او مداخله کوي یعني د اسلام اقتصادي نظم نه د کمونیزم په څیر د فرد مالکیت له یوې مخې له مینځه نه دي چې داهم د فضرت لیارنده او نه یې هم د پانګوالو نظامونو په څیر مطلق العنان پریږدي. چه هر دول سرمایه ګذاری کوي او په هر څه کې یې کوي. آزادیې پریږدي تردې چې که دولت ورسره په پانګه اچولو کې وغواړي د یو شریک په توګه کړوکړي نوهم پدې ترتیب د یو هیواد دخلکو هغه اولیتونه په ګوته کړي چې پکې پانګه اچونه د ولس دعموخلکو په ګټه وي پانګوال نظم او اقتصادي سیستم خان پدې هم مکلف نه ګڼي او یوازې هلته پانګه اچونه او په هغه کچه پانګه اچونه غوره ګڼي چې د پانګوال شخصي ګټې خوندي کوي. دولت یې د پانګې اچونې د ډګر. اندازې ټکلارې او تعامل د کنترول او څارنی حق نلري. خو داسلام په اقتصادي نظام کې دولت د خلکو د ورځینوارتیاؤ او بنیدي ستونزو د حل کوونکی په توګه په خپله پدې مکلف دی چې له یوې خوا هغه اقتصدي پروګرامونو او پلانونه پرمخ یوسي چې د ولس ګټې خوندي کوي اوله بلې خوا د خصوصي سکتور هغه تشبثات وڅاري او کنترول یې کړي چې کله د عام ولس ګټې له خطرسره مخ کوي او یا دولس دګټو په ترتله پکې د څو وګړو یا یوې خصي طبقې ګټې ډیرې خوندی وي. چې دهغې غوره لاره په هره پانګه اچونه کې د لزوم دید سره سم د دولت په یوه خاصه سلمه. په پانګه اچوونه کې براخستنه او شرکت دي.

او داحق چې دولت یې لري هغه مهال دولت نبه استعملولای شي چې دولت هم خود کفء اوله بهرنیو او داخلې پانګوالو څخه پیاوړي وي او دصنعت، تجارت، کرهنی او... دګرونو کې دخصوصی سکتور سره د سیالی او رقابت جوګه وي خو چې کله د ورتیاله دولت سره نه اوسي نو بیا هلته هره پانګه اچونه او د آزاد بزار استعمال او ترویج د ولس د خلکو بخت او ژوند د څو پانګوالو ترحم ته دسپارلو په معنا دي اوبس. نو ځکه افغان ولس څمونږ د ولسي جرګې د هغې وروستي پریکړې څخه په زغرده ننګه او ملاتړ کوي او ورته د قدر په سترګه ګوري چې په دي وروستیو کې دسینما پامیر دڅوارلس پوړنره ودانۍ پلورل او شخصي کول یې وغندل او دولت ته یې ګوابښ وکړ چې که داکار ترسره شونو د ولسي جرګې تول غړي به له یوې مخې خپلو استعفاګانې ورکړي او د ولسي جرګې وروسته پریکړه د هغوی د بصیرت او دحق دپلویتوب ښکارندوي ده. ځکه که نن د زراعتي بانک پامیرسینما لوړپوړیزه ودانۍ خصوصي شي. سبا به دارګ ودانۍ هم دیو چا ملکیت وګرځي او دنور و پانګوالو سیستم لرونکو هیوادونو په څیرنه به دولت هیڅ نلري او ټول هیواد شتمني به دڅو پانګوالو ملکیت وي اوس چې د آزادبزار له نامه لاندې څمونږ په وروسته پاتې او فقیر هیوادکې د ځینو پانګوالو موچې ولیدي نوبینې یې هرڅوک پدې پوهه شي.

چې آزاد بزار په حقیقت کې په یو شمیر نزولو او حکومت ته نږدې پانګوالو بندي د دولتي شتمنو او ځنیو چې څنګه دهغوی خوبنه وي د ویشلو پرته بله معنا نلري.

ترتیب عملی ادای مراسم حج

روزهشتم ذوالحجه (روز نخست حج)

مراسم حج از روز هشتم ذوالحجه آغاز می یابد، این روز را (ترویه) می گویند، در این روز اگر کسی حج قران را نیت کرده باشد و دارای احرام می باشد، آماده رفتن به منا می شود واگر حج تمتع را نیت کرده باشد، چون از احرام خارج شده است ، دو پاره لباس احرام را به تن می کند کسی که در داخل مکه به سر می برد، برای حج از هرجای که اقامت داشته باشد، برای حج احرام می نماید. در حج افراد هم باید، در آن روز با احرام آماده آغاز مراسم حج باشد.

● رفتن به منا: بامداد از مکه بسوی منا حرکت نماید، در انجا شب می خوابد ، خوابیدن وسپری کردن شب هشتم بر نهم ذوالحجه در منا سنت است ، اگر ترک شود کاستی در حج به میان نمی آید و دم لازم نمی شود. کسی که شب در منا نباشد، فردا روز نهم ذوالحجه یا روز عرفه، مستقیماً به عرفات برود.

● درمنا نماز های پیشین، عصر، خفتن را به صورت قصر ادا نماید و به ذکر ودعا وخواندن قرآن بپردازد.

روز نهم ذوالحجه (روز دوم حج)

● وقوف در عرفات:

روز نهم ذوالحجه روز عرفه می باشد حاجی پس از طلوع آفتاب از منا حرکت می کند وبا آرامی به سوی مزدلفه واز آنجا بسوی عرفات راه پیمایی می نماید، در راه تکبیر می گوید.

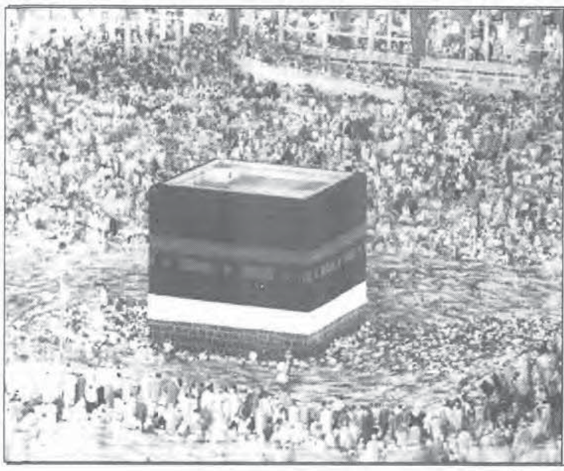
ذکر ودعا می خواند وتلبیه می گوید.

وقوف یا ایستادن درعرفات، رکن وفرض اصلی حج می باشد، اگر این رکن ترک شود، حج انسان باطل می شود، در این صورت شخص باید سال آینده اقدام به ادای حج نماید.

لازم است حاجیان حدود ساحهٔ عرفات را بدانند و در داخل عرفات باشند، چون ایستادن در عرفات مهمترین رکن حج می باشد، در صورتی که کسی در طول روز خارج از عرفات بماند، و در هیچ جای توقفی نداشته باشد حج او کاملا باطل می شود، حدود عرفات با نصب لوحه های نشانه گذاری شده و کسی که خواندن و نوشتن را یاد داشته باشد می تواند حدود آن را مشخص کند.

در صورتی که روز گرم و آفتابی باشد و یا شخصی احساس مریضی و یا نا توانی نماید، بهتر است خود را به مسجد عرفات برساند و در جریان روز در همان مسجد بماند.

زائرین حج وعمره معمولا جهت زیارت مسجد وقبر پیامبر به مدینه منوره می روند. زیارت مسجد و قبر پیامبر و دریگر اماکن مقدس مدینه جزء حج نمی باشد واگر کسی نتواند به زیارت مدینه نایل شود، حج او کامل می باشد وهیچ کاستی به میان نمی آید. اما زیارت مسجد وقبر پیامبر ثواب زیاد دارد.



احکام حج

بخش سوم و پایانی

عبدالمعین شاهد

قابل ذکر است که قسمتی از این مسجد در خارج ساحهٔ عرفات قرار گرفته است. بنا براین باید در بخشی که در عرفات قرار دارد، ایستاد شد.

در عرفات نماز های پیشین وعصر را قصر ویکجا در وقت نماز پیشین می خواند، به خطبهٔ امام گوش فرا می دهد وتا غروب آفتاب آنجا می ماند. درعرفات نماز بگزارد، ذکر ودعا نماید وقران بخواند.

● بازگشت به مزدلفه:

پس از غروب آفتاب به آرامی به سوی مزدلفه باز می گردد. درمزدلفه نمازهای شام وخفتن را یکجا ودر وقت خفتن ادا می نماید، نماز خفتن را قصر می خواند.

● جمع آوری سنگچه ها:

شب هنگام سنگ های مورد نیاز برای زدن جمرات را از مزدلفه جمع می کند.

● ایستادن در مزدلفه: شب را در مزدلفه می خوابد، ایستادن در مزدلفه واجب است، اگرترک شود قربانی یادم لازم می گردد.

روز دهم ذوالحجه (روز سوم حج)

حرکت ازمزدلفه: نماز صبح را در مزدلفه ادا می کند وسپس بسوی مشعر الحرام حرکت می نماید، در انجا روبه سوی قبله تاروشن شدن روز دعا می نماید. از مزدلفه با آرامی بسوی منا حرکت می نماید، در وادی محسر سرعت خودرا بیشتر می نماید.

سنگ زدن جمره: جمرهٔ عقبه را سنگ می زند.در این روز جمرهٔ خورد ومتوسط سنگ زده نمی شود.

قربانی یا هدی: در حج قران وتمتع قربانی واجب می باشد، درحج افراد قربانی واجب نیست. اما قربانی کردن بدون ارتباط با حج در عید قربان سنت است و ثواب زیاد دارد، حاجی که حج افراد می کند اگر برای عید قربانی کند، مستحق ثواب می گردد.

تراشیدن یا اصلاح موی: پس از سنگ زدن جمرهٔ عقبه موهای سرخودرا می تراشد ویا آن را اصلاح می کند. تراشیدن بهتر است. تراشیدن یا اصلاح موهای سر واجب است: اگر ترک شود قربانی لازم می شود.

تحلل اول: با سنگ زدن جمره، قربانی وتراشیدن موی های سر، تحلل اول به میان می آید. تحلل اول سبب [illegible] که حاجی می تواند پس ازاین جز آمیزش جنسی با همسر، دیگر کارهای را که در حالت احرام ممنوع است، انجام دهد.

● طواف زیارت: پس از مراسم فوق، طواف زیارت یا طواف رکن را بجا آرد. اما اگر نتواند در آن روز طواف کند تا سه روز دیگر هم می تواند این طواف را انجام دهد. پس از طواف افاضه تحلل آخر یا اصلی به میان می آید. با این تحلل، دیگر تمام امور ممنوعه احرام جایز می شود وانسان به حالت اصلی باز می گردد، پس از این تحلیل، حاجی می تواند با همسر خویش آمیزش کند.

روز یازدهم و دوازدهم وسیزدهم ذوالحجه:

در روزهای یازدهم و دوازدهم ذوالحجه به ترتیب پس از ظهر، هر روز جمره را با هفت سنگ می زند، از جمره خورد آغاز میکند، پس جمره وسط را می زند و در اخیر جمره بزرگ یا جمره عقبه می زند.

در روز دوازدهم ذوالحجه اگر قبل از غروب از زدن جمره ها فارغ شود می تواندزدن جمره ها را تمام کند و به مکه بازگردد، اما اگر نتواند قبل از غروب ازاین کار فارغ شود و یا قصه کند شب در آنجا بماند، شب درمنا می خوابد وفردا یعنی سیزدهم ذوالحجه هرسه جمره را پس از ظهر می زند و به مکه باز میگردد.

● پس طواف وداع: از بازگشت به مکه اعمال حج پایان می یابد تنها طواف وداع که واجب است باقی می ماند. این طواف را انجام می دهد و پس از آن عزم سفر میکند و به وطن خویش باز می گردد و یا جهت زیارت مسجد پیامبر به مدینه می رود.

زنانی که برای شان عادت ماهانه پیش می شود، طواف وداع لازم نیست. طواف وداع واجب است، اگر کسی طواف وداع را ترک کند بر وی دم یا قربانی لازم می شود. وقت طواف وداع، زمان بازگشت حاجی می باشد، یعنی حاجی در آخرین روزهایی که می خواهد مکه را به قصد وطن خویش ترک کند، این طواف را انجام می دهد.

زیارت مدینهٔ منوره

زائرین حج وعمره معمولا جهت زیارت مسجد وقبر پیامبر به مدینه منوره می روند. زیارت مسجد و قبر پیامبر و دریگر اماکن مقدس مدینه جزء حج نمی باشد واگر کسی نتواند به زیارت مدینه نایل شود، حج او کامل می باشد وهیچ کاستی به میان نمی آید. اما زیارت مسجد وقبر پیامبر ثواب زیاد دارد.

زائر پس از رسیدن به مدینه وجابجا کردن وسایل در مهمانخانه، بسوی حرم نبوی می رود وقبل از همه چیز اگر جای خالی باشد، در روضه شریف دو رکعت نماز بخواند، روضهٔ شریف موضع است میان قبر ومنبر پیامبر، در این محل نماز خواندن ثواب زیاد دارد، پس از نماز ودعا به زیارت قبر پیامبر برود وبا کمال احترام و آرامش در برابر آن ایستاد شود وسلام نماید. سپس در برابر قبرهای حضرت ابوبکر وحضرت عمر ایستاد شود وبه آنها سلام بگوید.

نزدیک قبر پیامبر، ماموران امنیتی سعودی ایستاده اند ونمی گذارند کسی به پنجره های آهنی قبرها ودیوار های نزدیک به آن دست بزند، چون دلیل شرعی بر مشروعیت چنین کارهای وجود ندارد. زیارت جنت البقیع که در آن برخی از اصحاب پیامبر و دیگر بزرگان اسلام، دفن شده اند و در نزدیکی مسجد قرار گفته است ،دارای ثواب زیاد می باشد، زیارت شهدای احد، وزیارت مسجد قبا را نیز از یاد نبرد.در هنگام اقامت در مدینه کوشش کند نماز ها را با جماعت در مسجد پیامبر بخواند و هر بار به پیامبر سلام بگوید ودعا نماید.نماز خواندن در مسجد پیامبر ثواب زیاد دارد. پیامبر فرموده است. یک نماز در مسجد من برابر هزار نماز درسایرمساجد ثواب دارد. البته نماز خواندن در مسجد الحرام بیش از آن ثواب دارد.

قابل ذکر است که احیانا طواف زیارت را که یکی از دو رکن حج می باشد، ترک کرده باشد، باید پس از بازگشت از منی آن را حتما انجام دهد. اگر حاجی حج افراد و یا قران را سعی کرده باشد، در صورتی که سعی نموده باشد، پس طواف زیارت دوباره سعی نکند. اما اگر سعی نکرده باشد و یا این که حج تمتع نیت کرده باشد باید پس از طواف زیارت.

دعا در حج

توبه و دعا که یکی از انواع عبادت می باشد، عبادت در ایام و اماکن حج ثواب فراوان دارد و اما مورد استجابت خداوند جل جلاله واقع می شود. بنا براین حاجی همه وقت خود را در ایام حج به عبادت وذکر ودعا اختصاص دهد و تا حد امکان از پرداختن به امور دینوی خود را برکنار نگه دارد.

دعا عبارت از اظهار بندگی و خسوع به بارگاه خداوند و طلب آمرزش و حاجات از اوتعالی است.

حاجی باید دعا های را که در قرآن کریم و احادیث پیامبر ذکر گردیده حفظ کند و بخواند، اما اگر نتواند این دعا را حفظ کند، می تواندکلمات سادهٔ مانند الله اکبر، سبحان الله را تکرار نماید و با زبان فارسی دعا کند و حاجات خود را از

از حقیقت تا حقیقت یابی های ...

که این کمک ها موجب تغییر در زندگی اکثریت مردم گردد. کدام اولویت ها باید در نظر گرفته شود تا چرخ اقتصادی در کشور به حرکت بیفتد و با ازدیاد فرصت های شغلی، اقتصاد کشور رونق بگیرد؟

یکی از تاثیرات منفی کمک های کشور های غربی در جهان سوم حتی در دوران جنگ سرد، این بوده است که این کمک ها موجب ایجاد فاصله، طبقاتی میان یک اقلیت انگشت شمار واکثریتی می شده که زیر خط فقر زندگی می کردند. این فاصله، طبقاتی در آن زمان موجب تمایل اکثریت مردم بسوی سوسیالیسم می شد. امریکا برای مقابله با این وضع نمی توانست از دیموکراسی بعنوان یک سپر ایدئولوژیک علیه سوسیالیسم استفاده کند، زیرا وقتی در چنین کشورها انتخابات دیموکراتیک صورت می گرفت، سوسیالیست ها و کمونیست ها برنده می شدند. امریکا نیز برای مقابله با این وضع چاره ای جز کمک به کودتاهای نظامی نداشت. مثال های عمده، این وضع را می توان در کودتا ها در امریکای لاتین دید.

امروز با فروپاشی اتحاد شوروی، امریکا با چالش های جدیدی روبروست که نه تنها از یک نظام نابرابر اقتصادی در سطح بین المللی بر می خیزد بلکه فاصله، طبقاتی در کشور های کمک گیرنده از غرب بجای اینکه موجب حمایت از سرمایداری گردد برعکس برای خشونت گرانی زمینه های جدیدی را فراهم می سازد. این وضع نیازمند بازنگری در شیوه، کمک هاست. کمک ها نباید موجب فاصله، عمیق طبقاتی در کشور گردد اما در عمل ما شاهد چنین وضعی هستیم. این وضع می تواند در تشدید ناامنی ها و تمایل بسوی خشونت در میان طبقات محروم موثر باشد و امریکا هم چاره ای جز جنگ و یا کمک به دولت های سرکوبگر برای مقابله با این وضع نخواهد داشت. به همین دلیل در جهان هیچکس نمی تواند به ادعای امریکا در مورد دفاع از مردم سالاری را باور کند.

نتیجهء بررسی

هیأت شورای امنیت در پایان کار خویش اوضاع امنیتی در افغانستان را بد توصیف نمود، اما از این مسئله را رد کرد که افغانستان مواجه به یک بحران است. در هنگام این سفر یک اقدام انتحاری در نزدیکی سفارت امریکا در کابل به کشته ومجروح شدن عده ای منجر گردید که پیامی خشونت بار به این هیأت داشت اما این هیأت در این سفر نخواست تا وضع را خیلی بد جلوه بدهد که البته قابل درک است. نتیجه، گزارش این هیأت برای ادامه، کمک ها به افغانستان بسیار مهم است و نظر منفی آن می تواند در این روند تاثیر منفی داشته باشد و در نتیجه دامنه، خشونت ها در افغانستان را بیش از پیش گسترش بخشد. پس مصلحت ایجاب می کند تا هیأت حقیقت یاب همه حقایق را در نتیجه، بررسی خود منعکس سازد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

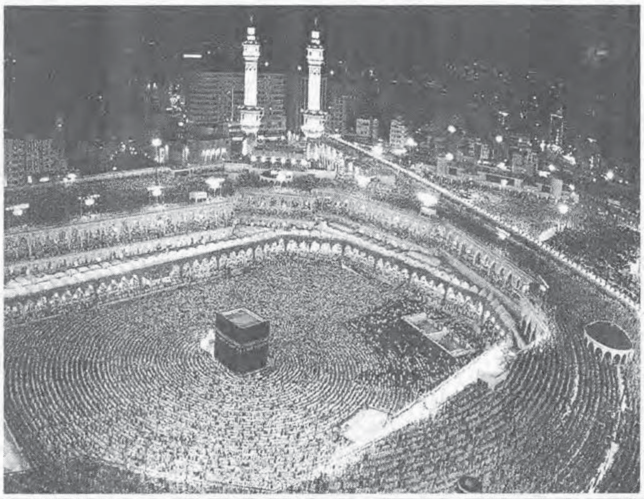
● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست وششم شنبه ۹ قوس ۱۳۸۷- ۳۰ ذوالقعده ۱۴۲۹ - ۲۹November ۲۰۰۸

احکام حج



در روز دوازدهم ذوالحجه اگر قبل از غروب از زدن جمره ها فارغ شود می تواندزدن جمره ها را تمام کند و به مکه بازگردد، اما اگر نتواند قبل از غروب ازاین کار فارغ شود و یا قصه کند شب در آنجا بماند، شب درمنا می خوابد وفردا یعنی سیزدهم ذوالحجه هرسه جمره را پس از ظهر می زند و به مکه باز میگردد.

ادامه درص۷

ادامهٔ سرمقاله...

به انها داده شدبود، کنار زده شدند، خارجیان که با ادعای به ارمغان آوردن دموکراسی، به مردم افغانستان منت می گذاشتند، عملا برای ایجاد یک نظام توتالیترکار کردند و از شراکت قومی در قدرت سیاسی جلوگیری نمودند.

در نتیجهٔ پیمان بن و حکومت و نظام برآمده از آن، جز بازسازی چند جاده، تغییر قابل ملاحظه در وضعیت اقتصادی مردم کشور به میان نیامد، با وجود مساعدت های بزرگ بین المللی هنوزهم افغانستان در میان فقیرترین کشورهای دنیا جای دارد. ٦ میلیون انسان یعنی ۲۵ در صد مردم در زیر خط فقر قرار دارند، در قسمت های مهم از کشورجنگ شدید در جریان است، بی کاری، نبود امنیت، یاس فزاینده، در میان مردم به میان آورده است و کابل پایتخت کشور، اگر چند ساختمان شیشه یی که با سرمایه های خصوصی درآن سر برافراشته است نادیده گرفته شود، کابل از جملهٔ معدود پایتخت های دنیاست که شب های تاریک، جاده های خاک آلود و کثیف و شهروندان گرسنه دارد.

با این وصف می توان گفت در بن و در سال ۲۰۰۱ یکی از فرصت های طلایی برای ایجاد نظام مردم سالار، کثرت گرا و عدالت محور در تاریخ کشور از میان رفت و باردیگر ما در درازای یک دالان پرپیچ و خم بحران قرار گرفته ایم که در چشم انداز آن هیچ روشنای و روزنهٔ دیده نمی شود.

روزجهانی محوخشونت علیه زنان

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

روز۲۵ نومبر ۵ قوس روزجهانی محو خشونت علیه زنان ازسوی سازمان ملل متحد تعیین گردیده است وهمه ساله در کشورهای مختلف جهانی وظرف چند سال اخیر این روز در کشورما نیزتجلیل می گردد.

این روز درشرایطی ازسوی دولت ونهادهای مدنی وحقوقی در کشور، تجلیل می گردد که میزان خشونت ، تجاوزعلیه زنان واعمال فشاربه گونه های مختلف آن ، در ا فغانستان افزایش یافته است. یک گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر حاکی از آن است که ازاوایل سال جاری تا کنون به تعداد ی ۲۰۸۱ مورد اشکال خشونت ، در کشوربه وقوع پیوسته است که ۷۷مورد آن را تجاوزجنسی علیه کودکان تشکیل میدهد.

بسیاری ازموارد خشونت که علیه زنان وکودکان در کشوربه وقوع می پیوندد ، بنا بردلایل مختلف ، چون شرم وحیا وناموسی بودن آن ویا خوف وترس ازسوی عاملان قضیه ، ازدید رسانه ها وبازرسان محلی حقوق بشر پنهان می ماند. ظرف سالهای جنگ وبحران های سیاسی واجتماعی در کشور، زنان دختران واطفال معصوم، خونین ترین زخم هارا متحمل گردیده اند وجنایات سازمان یافته براین قشر جامعه تحمیل گردیده است .باید اعتراف کرد که دربسیاری ازمناطق افغانستان ، به ویژه مناطق روستایی ، نور سواد ودانش وفرهنگی که ازطریق آموزش وپرورش بدست می آید کمترمی تابد .وقتی زن را ازمنظر این اشخاص نگاه کنیم ، درمی یابیم که زن درچشم ونظر آنان به مثابهٔ انسان درجه دوم محسوب می شود وبه باورآن ها، زن فقط برای خدمت به مرد آفریده شده وچون افزار کاربایدد درخدمت مرد قرارداشته باشد.

همین باورهای جاهلی ونسبت ها به زنان، میزان خشونت علیه زنان را بیشترساخته است.

امروزدرجامعه که ما زند گی می کنیم، اگرمردی به زن بار گی شهرت یابد کسی با او قطع علاقه نمی نماید ، چه بساکه مورد مباهات وی نیز می گردد. اما زنی که حتا مورد تجاوزجنسی قرار گرفته باشد ، ازجامعه تجرید می گردد.

باوجود برخی ازتحولات درجامعه افغانستان ، حقوق و کرامت زن دربرخی ازموارد نادیده گرفته می شود . نگاه عمومی نسبت به زن یک نگاه عادلانه نیست وزن به انسان درجه دوم وجزلایملک مرد درنظر گرفته می شود واین کاربه یک عرف وعادت وازجمله عنعنات اجتماعی محسوب می شود که زن درهمه کارها ی مشروع وغیر مشروع، ازمرد پیروی می کند.

پایین بودن سطح فرهنگی جامعه ، وجود کاستی ها درسیستم حقوقی وقضایی کشور، به این بحران افزوده است.

امروز خشونت علیه زن درخانه پدر،خانه شوهر، ازطرف نزدیکان شوهر و از جانب محیط خانواد گی و همین گونه محیط سیاسی و اجتماعی بروی تحمیل می گردد.

جهل وناآگاهی نسبت به قوانین داخلی و بین المللی و قواعدی که ازعدالت و کرامت انسانی و حقوقی زن حمایت می نماید، چه ازطرف خود زنان و مردان خانواده ها و چه از ناحیه سیستم ها و نهادهای قضایی و اجرایی ، یکی ازمهمترین عوامل افزایش ظلم وستم علیه زنان درافغانستان گردیده است. امروز در افغانستان حتا درمحیط های شهری با دشواری هایی ازقبیل: حق نداشتن انتخاب سرنوشت و زند گی آینده ، فقدان سند ازدواج ، استنکاف ازتأمین نفقه، فقدان حسن معاشرت و موارد زیاد سوء معاشرت و غیره مواجه می باشد.

اشکال مختلف ازدواج غیرقانونی مانند: نامزدی اطفال درسن شیرخوار گی وحتا پیش ازتولد ، ازدواج دختر در سن خیلی پایین به وسیلهٔ والدین وغیره ... درسراسر کشور و در کابل وجود دارد و ادامه این وضع نه تنها در کشور کاهش نیافته است، بلکه گسترش بیشتر یافته است.

ازدواج های اجباری به ویژه زنان بیوه بایکی ازنزدیکان شوهر متوفای زن بیوه، یکی کارهای نا روایی است که هیچ گونه، توجیه شرعی و قانونی ندارد موجب خشونت و نقض حقوق و کرامت زن می گردد.

امروز درافغانستان یک شبکه سراسری وسیستم ملی برای ثبت نکاح وطلاق، ارث ومسایل دیگرمربوط به زنان وجود ندارد و این کارموجب بی عدالتی و حق تلفی نسبت به حقوق زنان را تشکیل می دهد.

در بسیاری ازقوانین کشور واقعیت های حیات خانواد گی و اجتماعی نادیده گرفته شده است.

امروز در افغانستان فرهنگ مراجعه زن به محاکم و مراکز عدلی و قضایی، یا وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد بسیار نا چیز خواهد بود، این ها و ده ها عوامل دیگر در کشور وجود دارد که میزان خشونت را علیه زنان افزایش داده است.

پس ازسال های حکومت موقت هرچند کمیسیون رفع خشونت علیه زنان ازجانب رئیس جمهور به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶ توشیح گردیده است اما هیچگاه این کمیسیون نتوانسته است ، کار موثری را درجهت حقوق زن درجامعه به وجود بیاورد و کارقانون محوخشونت علیه زنان به فراموشی سپرده شده است. وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، سالانه به چند شعار و پیام اکتفا می کنند وتاکنون این وزارت وسایر نهادهایی که درراستای حقوق زن در افغانستان، کار و فعالیت می نمایند و به بهانهٔ خدمت به زن به نام افغانستان پول های کلان را به مصرف می رساند، نتوانستند حتا کوچکترین کارمثمر را به این قشر مظلوم جامعه تقدیم نمایند. دولت کنونی افغانستان زن را فقط درحد وسیلهٔ برای جلب حمایت خارجیان به نمایش گذاشته است و از زن فقط به مثابه افزار و پشتیبانی خارجیان استفاده می کند. امروز برخی ازباورها وعنعنه های قومی وقبایلی در برخی ازمناطق کشور جای نصوص دینی راگرفته است واین باورها می خواهد به حیات خویش ادامه بدهد. هرقدر سطح آموزش و پرورش، آگاهی و جوهر دین اسلام را زنگارهای ازنا آگاهی فراگیرد، به همان پیمانه، برمیزان خشونت علیه زنان افزوده خواهد شد.

اسلام بسیار پیام روشن دربرابر زنان دارد و زن را مانند مرد مخلوق صاحب اراده وحقوق معین می داند و زن و مرد را مکمل یک دیگرخوانده است که یکی تکمیل کنندهٔ شخصیت دیگراست.

نخستین مؤمن به دین محمد (صلی الله علیه وسلم) یک زن بود. همان طور که نخستین شهید درراه اسلام بی بی سمیه است. همسران رسول خدا چون مدرسه های بزر گی مسلمانان را رهنمایی کردند.

فاطمه الزهرا بتول درکنارحضرت علی کرم الله وجه ایستاد، حضرت زینب درسوگ سید الشهداء امام حسین (رض) حماسه های بزر گی بودند که مانند قطب نماهای روشن مسیر حرکت مسلمانان را روشن می کنند. مقام مادر در اسلام به درجه ای ارتقا کرده است که بالاترازآن جایگاهی نمی توان یافت.آن حضرت (ص) فرموده است: بهشت زیر گام های مادران است. دین مبین اسلام ازدختر قاطعانه حمایت می کند: روزی پیامبرخدا با اعرابی ای صحبت می کردند، حضرت بی بی فاطمه که کودک خرد سالی بود، سرزانوی ایشان نشسته و درجریان صحبت او را با بوسه های پدرانه نوازش می کردند. اعرابی با تعجب پرسید شما دختران را می بوسید؟ پیامبر پاسخ دادند: حکم خدا این است که فرزندان تان را نوازش کنید و میان دختر و پسر فرقی قایل نشوید.درنکاح که پیوند با برکتی برای تاسیس خانواده کوچک است ، صلاحیت انتخاب همسر برای پسر و دختر یکسان است.(روز ۲۵ نومبر که به نام)"روزبین المللی رفع خشونت

ادامه در ص۵

خلیل زاد هرچند وابسته به حزب جمهوریخواه و کمپنی های نفتی است اما تجربهء کاری وی از دوران جهاد با رهبران مجاهدین و آشنائی با آنان موجب گردیده است که حتی حکومت های دیموکرات در امریکا نیز به مشوره های وی گوش فرادهند.

ادامه در ص۶

از حقیقت تا حقیقت یابی شورای امنیت در افغانستان

ادامه در ص۶

